

## Political and commercial endeavors of the British East India Company to influence Iran and establish power on the Iranian shores of Persian Gulf in the Zand period

*Hedayat Behnampour<sup>1</sup>|MouhammadKarim YosefJamali<sup>2</sup>|Soheila Torabi Farsani<sup>3</sup>*

Received: 2020/12/22 | Accepted: 2021/02/18

(DOI): [10.22034/MTE.2021.9760.1385](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.9760.1385)

(DOR): [20.1001.1.23832134.1400.9.17.4.8](https://dor.org/20.1001.1.23832134.1400.9.17.4.8)

### Abstract

### Original Article

P79 - 97

The internal situation in Iran after Nader Shah's assassination continued in such a way that European companies could be influential in Iran's political and economic movements. But there was situation in which only the British East India Company remained the most influential European force in the Persian Gulf. Because the Dutch were expelled from the island of Khark by Mir Mahna and no longer had an effective presence in the region, and the French were not successful in establishing relations with the Karim Khan government.

conflicts between claimants to power in Iran, the outbreak of numerous internal insurgencies and tribal chiefs of the Persian Gulf, the lack of effective presence of the Zand government in the Persian Gulf due to lack of navy, economic and trade weakness of Iran in terms of domestic production, lack of financial support In foreign trade and the lack of means of sea transport were the main factors for the active and monopolistic presence of the British in the political and commercial fields of the Persian Gulf at that time. The findings of the study also indicate that this British company was trying to limit the role of Iran and increase its own influence and power in the Persian Gulf.

**Keywords:** Iran, Persian Gulf, Karim Khan Zand, British East India Company

<sup>1</sup> - Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran: behnam48h@gmail.com

<sup>2</sup> - Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran: yousef-jamali2000@yahoo.com

<sup>3</sup> - Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran: tfarsani@yahoo.com





## تکاپوهای سیاسی و تجاری کمپانی هند شرقی انگلیس برای اثرگذاری در ایران و آرایش قدرت در کرانه‌های ایرانی خلیج فارس در دوره زندگی

هدایت بهنام‌پور<sup>۱</sup> محمدکریم یوسف جمالی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup> سهیلا ترابی فارسانی<sup>۳</sup>

(DOI): [10.22034/MTE.2021.9760.1385](https://doi.org/10.22034/MTE.2021.9760.1385)

(DOR): [20.1001.1.23832134.1400.9.17.4.8](https://dor.org/20.1001.1.23832134.1400.9.17.4.8)

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۰۲، تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۳۰

علمی - پژوهشی

ص: ۹۷/۷۹

چکیده

اوضاع داخلی ایران پس از قتل نادرشاه به گونه‌ای پیش رفت که کمپانی‌های اروپایی می‌توانستند در تحولات سیاسی و اقتصادی ایران مؤثر باشند. اما شرایطی پیش آمد که تنها کمپانی هند شرقی انگلیس به عنوان مؤثرترین نیروی اروپایی در خلیج فارس باقی ماند. زیرا هلندی‌ها توسط میرمهنا از جزیره خارک اخراج شدند و دیگر حضوری مؤثر در منطقه نداشتند و فرانسوی‌ها نیز در برقراری رابطه با دولت کریم‌خان، موفق نبودند.

برخوردهای میان مدعیان قدرت در ایران، بروز شورش‌های فراوان خوانین داخلی و رؤسای قبایل کرانه‌های خلیج فارس، عدم حضور مؤثر دولت زند در خلیج فارس به علت نداشتن نیروی دریایی، ضعف اقتصادی و بازرگانی ایران به لحاظ تولید داخلی، کمبود پشتوانه مالی در تجارت خارجی و کمبود وسایل حمل و نقل دریایی از عوامل زمینه‌ساز برای حضور فعال و انحصارگرایانه انگلیسی‌ها در صحنه سیاسی و تجاری خلیج فارس در آن دوره بودند. یافته‌های پژوهش نیز بیانگر آن است که این شرکت انگلیسی در راستای محدود کردن نقش ایران و افزایش میزان نفوذ و قدرت خود در خلیج فارس تلاش می‌نمود.

**واژه‌های کلیدی:** ایران، خلیج فارس، کریم‌خان زند، کمپانی هند شرقی انگلیس.

<sup>۱</sup> - گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. behnam48h@gmail.com

<sup>۲</sup> - گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. yousef-jamali2000@yahoo.com

<sup>۳</sup> - گروه تاریخ، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (tfarsani@yahoo.com)



## مقدمه

موضوع تحقیق، گروه‌های صاحب قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی در کرانه‌های ایرانی خلیج فارس در دورهٔ زندیه و تکاپوهای کمپانی هند شرقی انگلیس در منطقه است. ابتدا برای روشن‌تر شدن ذهن خواننده در مورد موضوع اصلی، مفاهیم تشکیل دهندهٔ عنوان بحث، مورد بررسی قرار می‌گیرند. منظور از گروه‌های صاحب قدرت، آن‌هایی هستند که با تکیه بر ثروت و نیروی نظامی قبیله‌ای و محلی خود، توان ایفای نقش در تحولات منطقه را در کنار نیروی حکومت زندیه داشتند. برای پرهیز از گسترده شدن موضوع فقط گروه‌هایی در نظر گرفته شده که با کرانه‌های شمالی خلیج فارس در ارتباط بوده و در این ناحیه حضور داشتند. مراد از کمپانی هند شرقی انگلستان، شرکتی است که در سال ۱۰۰۹ هـ.ق. / ۱۶۰۰ م تأسیس و فعالیت آن در ایران از ۱۰۲۴ هـ.ق. / ۱۶۱۵ م آغاز شد. آوردن واژهٔ تکاپوهای کمپانی هند شرقی انگلیس در منطقه بدان معناست که کمپانی هند شرقی انگلیس در خلیج فارس و در عرصهٔ تجارت با ایران از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی چه تلاش‌هایی انجام می‌داد و چه آثاری بر سیاست‌های حاکمیت زند، آرایش نیروهای صاحب نفوذ و قدرت در خلیج فارس و کرانه‌های شمالی آن داشته است؟ با آوردن قید «ایران دورهٔ زندیه و کمپانی هند شرقی انگلیس» در عنوان مقاله، گذشته از محدود کردن دایرهٔ زمانی و مکانی بحث، مصداقی عینی و معلوم برای موضوع به دست داده و زمینهٔ بررسی تجربی موضوع فراهم می‌شود.

در ایران با وجود تلاش‌های خوبی که در باره تاریخ زندیه و خلیج فارس انجام گرفته، تاکنون نسبت به نیروهای صاحب قدرت و نفوذ در کرانه‌های شمالی خلیج فارس و میزان اثرگذاری کمپانی هند شرقی انگلیس بر وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران در این دوره، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. در پژوهش‌های جدید ایرانی، به صورت گذرا به نقش کمپانی هند شرقی انگلیس در تحولات سیاسی خلیج فارس اشاره شده است. کتاب *تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه*، تا حدودی به نقش کمپانی هند شرقی انگلیس در خلیج فارس پرداخته است. کتاب *کمپانی هند شرقی انگلیس و ایران دوره زند* نیز رابطهٔ شرکت انگلیسی و ایران را در همه دورهٔ حاکمیت خاندان زند در بر نمی‌گیرد. از زمان نگارش آثار سدیدالسلطنه نیز بیش از نیم قرن می‌گذرد و با انتشار اسناد جدید، احساس می‌شد به چنین تحقیقی نیاز است.

پرسش مهم در پژوهش این است که چگونه شرکت‌های اروپایی به‌ویژه شرکت هند شرقی انگلیس، توانستند بر اوضاع سیاسی ایران اثر بگذارند؟ از سوی دیگر، چگونه دولت زند و حکام محلی ایران با این دخالت و تأثیر انگلیسی‌ها کنار آمدند یا از آن استقبال کردند؟ فرضیه اصلی تحقیق این است که کمپانی هند شرقی انگلیس منافع اقتصادی فراوانی در خلیج فارس و رابطه تجاری با ایران داشت و از این رو به خود اجازه می‌داد بر وضعیت سیاسی ایران اثر بگذارد. حکومت زندیه نیز به دلایل اقتصادی و سیاسی، ناگزیر بود همکاری و حمایت اروپاییان - به‌ویژه انگلیسی‌ها - را جلب نماید و حاضر می‌شد امتیازاتی به آنان بدهد. حکام و رؤسای قبایل محلی در کرانه‌های خلیج فارس، برای تثبیت موقعیت خود در برابر رقبا و حکومت مرکزی و کسب منافع اقتصادی، نیازمند همکاری با شرکت‌های اروپایی از جمله انگلیسی‌ها بودند.

آزمون فرضیه، به روش کتابخانه‌ای است. محدوده زمانی تحقیق، حکومت زندیه بر ایران از ۱۱۶۳ تا ۱۲۰۹ ه.ق. / ۱۷۵۰ تا ۱۷۹۵ م است.

این تحقیق شامل شش عنوان اصلی است. در قسمت اول گروه‌های صاحب قدرت و نفوذ در این دوره معرفی می‌شوند. در قسمت دوم به چگونگی همکاری حکام و قدرت‌های محلی با کمپانی هند شرقی انگلیس پرداخته می‌شود. در عنوان سوم به سیاست زندیه برای استقرار و تثبیت قدرت در سواحل و جزایر خلیج فارس اشاره می‌شود. عنوان چهارم تحقیق به ایجاد موازنه قدرت با استفاده از حضور کمپانی‌های اروپایی در خلیج فارس می‌پردازد. قسمت پنجم به موضوع فعالیت‌های تجاری کمپانی هند شرقی انگلیس و اخذ امتیاز در ایران اختصاص دارد و در آخرین عنوان، نمونه‌هایی از دخالت کمپانی انگلیسی در ایران و خلیج فارس بررسی می‌شوند.

زندیه که در نیمه دوم قرن ۱۲ ه.ق. ۱۸۰ م بر ایران حکم راندند، هرگز نتوانستند به‌طور کامل کشور را در اختیار گیرند و ناگزیر به شیوه ملوک‌الطوایفی تن دادند. کریم‌خان زند به عنوان تنها حاکم مقتدر و باثبات زند، کوشید از راه تجارت، بخشی از نابسامانی‌های اقتصادی را سامان دهد و حاکمیت ایران را بر کرانه‌های شمالی و جزایر خلیج فارس تثبیت نماید. وی در این راستا در صدد ایجاد ارتباط با شرکت‌هایی اروپایی از جمله کمپانی هند شرقی انگلیس برآمد. کمپانی انگلیسی نگران اوضاع داخلی ناآرام ایران بود و ضمن تلاش برای حفظ بازار ایران، به فکر انتقال پایگاه تجاری خود به یکی دیگر از بنادر خلیج فارس

بود. در این نوشتار می‌کوشیم ابعاد و دایره اثرگذاری این شرکت در ایران را نشان دهیم. موضوع پژوهش بر اساس عنوان‌هایی که در ادامه می‌آیند، بررسی می‌شود.

### ۱. گروه‌های صاحب قدرت و نفوذ در ایران زندیه

در این دوره گروه‌های مختلفی صاحب نفوذ و قدرت بودند. خاندان زند، خوانین محلی، حکام ایالات، فرماندهان لشکر، روحانیان، دیوانیان و ... همگی به نوعی از عوامل اثرگذار بر اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران این دوره بودند. در اینجا بر اساس موضوع و نیاز تحقیق، به برخی از این گروه‌ها در محدوده سواحل ایرانی خلیج فارس اشاره می‌شود.

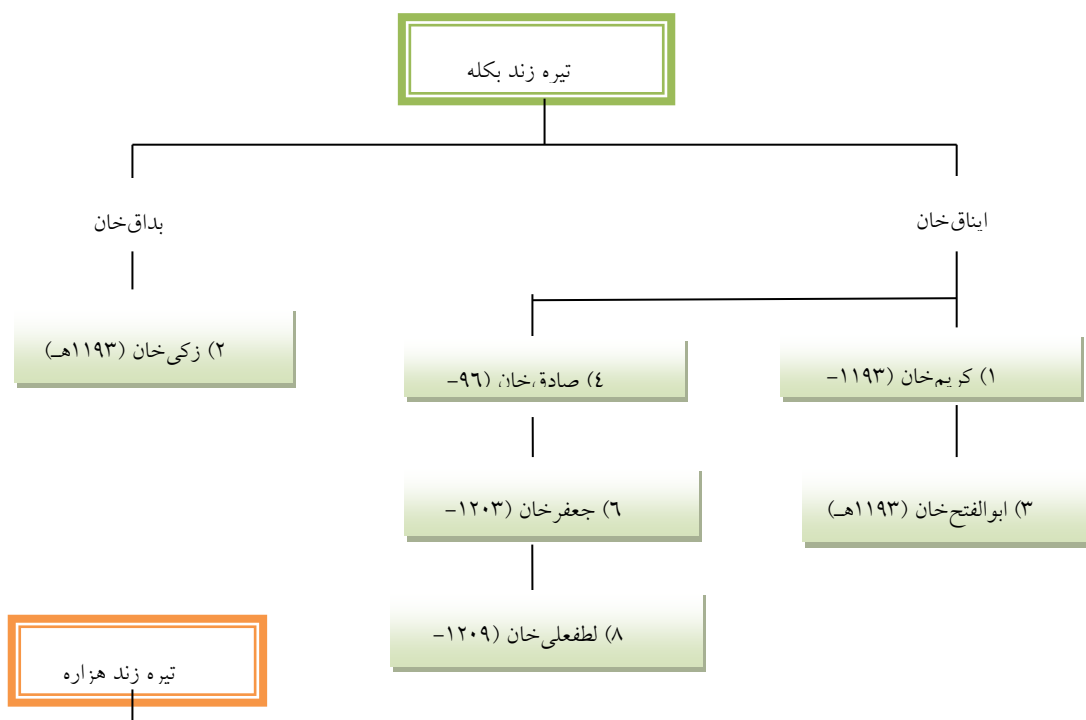
#### ۱-۱) خاندان زند

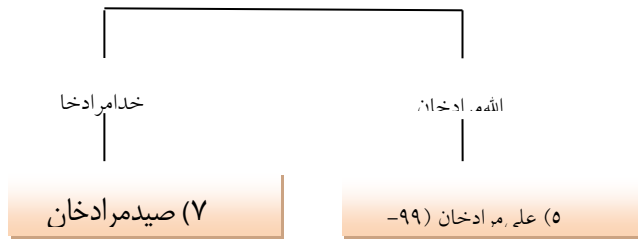
خاندان زند که حکومت بخش وسیعی از ایران را به دست آورده بودند، حاکمیتی ایلیاتی داشتند که در ساختار سیاسی حاکمیت نقش عمده‌ای ایفا می‌کردند. در حاکمیت زندیه مانند دیگر حاکمیت‌های قبیله‌ای، کریم‌خان به عنوان رئیس طایفه نقش اصلی را بر عهده داشت. در زمان حیات کریم‌خان، افراد طایفه در صحنه‌های مختلف هماهنگ و متحد عمل کرده و مطیع دستوراتش بودند. کنترل سیاست‌های کشور در اختیار وی بود و فرمانروایی مناطق کشور را به خویشاوندان و سران طایفه‌های مورد اعتماد واگذار می‌کرد.

کریم‌خان برای گسترش و تثبیت حاکمیت خود بر مناطق مختلف ایران، گذشته از عملیات نظامی و دسیسه‌های سیاسی، از ایجاد پیوندهای خانوادگی با سران قبایل مانند ازدواج با خواهر محمدحسن‌خان قاجار (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ج ۱/ ۸۴۶) و یا گروگان گرفتن فرزندان رؤسای قبایل و طوایف و نگهداری آنان در شیراز، استفاده می‌کرد. گرچه در گروگان گرفتن پسر نصیرخان بیگلربیگی لار، پسر حاکم بوشهر و ... رفتار دربار زند با آنان بیشتر به رفتار با مهمان شباهت داشت. (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۳۰۹، آصف، ۱۳۵۲: ۳۳۱، پری، ۱۳۶۵: ۳۱۰)

پس از مرگ کریم‌خان، خاندان زند نتوانستند جای خالی وی را پر کنند و از بحران‌های سیاسی درون ساختار ایلیاتی حاکمیت جلوگیری نمایند. از این رو شالوده حاکمیت زندیه از هم پاشید؛ چنانکه از مرگ کریم‌خان در سال ۱۱۹۳ هـ.ق. تا برآمدن قدرت قاجارها، هفت نفر در شیراز به تناوب به حکومت رسیدند. (شکل شماره ۱) حکومت این افراد از ۱۱۹۳ هـ.ق. / ۱۷۸۰ م تا پایان کار زندیه در ۱۲۰۹ هـ.ق. / ۱۷۹۵ م فقط شانزده سال ادامه

یافت و این آخرین درجه همه گیر شدن بحرانی بود که ساختار سیاسی- نظامی و قبیله‌ای زندیه را از هم پاشید. کوتاهی دوران حکومت و ضعف جانشین کریم خان به جایی رسید که در تحولات خلیج فارس نقشی نداشتند و فقط در برخی قراردادها و ملاقات‌ها با نمایندگان اروپایی نامی از آنها ذکر می‌شد.





### شکل شماره ۱- ترتیب به قدرت رسیدن و زمان حکومت حاکمان زندیه

#### (۲-۱) خوانین

خوانین و رؤسای طوایف محلی، بنا به ویژگی‌های ایلی و عشیره‌ای خود، میل به استقلال و گریز از تمرکز داشتند. موقعیت قبایل بزرگ ایران و داشتن نیروی جنگی که متشکل از مردان قبیله بود، دستیابی رؤسای آنها را به حکومت ممکن می‌کرد. بنابراین در فرصت‌های مناسب می‌کوشیدند با غلبه بر دیگر قبایل، حاکمیت محلی خود را به حاکمیت منطقه‌ای و یا کشوری تبدیل کنند. کریم‌خان در زمان حیات خود از طریق سرکوب و ارباب، گروگان‌گیری، برقراری پیوند خانوادگی با سران ایلات، توانست تسلط نسبی را بر قدرت‌های ایلیاتی فراهم سازد. با وجودی که قدرت خوانین و بعضی از بیگلربیگی‌های دوره زندیه از فرمانروای ایران نشأت می‌گرفت، اما گاه چنان نیرومند می‌شدند که قدرت دولت مرکزی را به چالش می‌کشیدند. به عنوان مثال نصیرخان لاری که سال‌ها بر لارستان حکومت می‌کرد و دایره حملات و نفوذش گاه تا کرانه‌های شمالی خلیج فارس و بندرعباس نیز می‌رسید، بارها با نیروهای زند به نبرد برخاست و در نهایت در ۱۱۷۹ هـ. ق. ۱۷۶۶ م تسلیم صادق‌خان شد و طلب عفو نمود تا «بعد از این طریق بندگی را به قدم راستی و درستی» پیماید. (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۷۵) وی سال بعد به تمنا، کریم‌خان را راضی کرده بود حکومت لار را به وی برگرداند، که در آنجا با خنجر کین یکی از کدخدایان کشته شد. (نامی، ۱۳۶۳: ۱۵۰-۱۴۶) در زمان جانشینان کریم‌خان به دلیل ضعف دولت مرکزی، خوانین محلی و رؤسای

قبایل سر از اطاعت حکومت زند برتافتند و زمینه پریشانی و هرج و مرج در کشور فراهم آمد.

### ۳-۱) حکام بنادر و شیوخ عرب سواحل جنوبی ایران

از دیگر گروه‌هایی بانفوذ و مؤثر در دوران حکومت زندیه، حکام بنادر و شیوخ عرب کرانه‌های جنوبی ایران بودند. این شیوخ و مردم‌شان از راه صید محصولات دریایی، حمل و نقل محلی، تجارت با همسایگان در خلیج فارس، دریای عمان و هند روزگار می‌گذراندند. رقابت آمیخته با دشمنی و برخوردهای ناگزیر میان آنان و حکومت مرکزی و نمایندگان شرکت‌های خارجی، دزدی دریایی را توسط برخی از آنان توجیه نموده بود. هر کدام از آنها به کمک مردم قبیله، ناوگانی کوچک گرد آورده بودند. شیوخ ثروتمندتر از کشتی‌های بزرگ‌تر و تندروتری به نام غراب بهره می‌گرفتند و در سواحل و دریا جولان می‌دادند. اینان نیز بر اساس خوی استقلال طلبانه قبیله‌ای، تمایلی به اطاعت از حکومت زند نداشتند. نیبور که در این زمان از جنوب ایران دیدار کرده از جنگ همیشگی میان حاکمان سواحل خلیج فارس یاد می‌کند. (نیبور، ۱۳۵۴: ۳۳)

مهم‌ترین حکام و شیوخ قبایل بنادر ایرانی خلیج فارس در دوره زندیه بدین شرح بودند:

- میرناصر زعابی و سپس فرزندش میرمهنا در بندر ریگ؛
- ملا علی‌شاه، حاکم بندرعباس که ناوگان دریایی نادرشاه را در اختیار داشت؛ (پری، ۱۳۶۵: ۱۷۳)

- عبدالله بنی معین در قشم؛ (سدیدالسلطنه، ۱۳۴۲: ۶۱۰ و ۸۲، Vol. ۱، ۱۹۸۶، Saldanha)

- شیخ ناصر آل مذکور در بوشهر؛

- قبیله قواسم (جواسم) در شارجه، رأس‌الخیمه و قشم. (Hawley, ۱۹۷۰: ۹۱)

- شیخ سلیمان (سلمان) بنی‌کعب در شادگان و حدود اروندرود؛

- اعراب هوله در کنگان و بندر طاهری؛ (وثوقی، ۱۳۸۹: ۳۲۹)

- ابوسعید گناوه‌ای در بندر دیلم و گناوه.

این حکام و شیوخ عرب ترجیح می‌دادند با استفاده از امکانات موجود در قلمرو خود، فارغ از نظارت و حاکمیت دولت مرکزی ایران، مستقل حکومت کنند. حکومت بوشهر در این دوره در اختیار خاندان پیش‌گفته قرار داشت. آل مذکور در نبرد میان کریم‌خان با مدعیانی چون محمدحسن خان قاجار به یاری زندیان برخاستند. دولت زند برای رونق اقتصاد کشور، به

تجارت در بنادر جنوبی نیاز داشت و این بدون همراهی شیوخ این بنادر از جمله شیخ ناصر رئیس قبیله آل مذکور و حاکم بوشهر ناممکن می‌نمود. از سوی دیگر نباید موقعیت تجاری و توان دریایی حکومت بوشهر و چشم‌داشت کریم‌خان به مالیات سالانه را از نظر دور داشت. شیخ ناصر نیز به یاری دولت زند نیاز داشت تا بتواند با حملات اعراب کرانه‌های جنوبی خلیج فارس و دیگر خاندان‌های قدرتمند رقیب به بوشهر مقابله کند. وی ضمن گسترش قلمرو، با کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، مسقط و هند تجارت می‌کرد و به یاری نیروی دریایی قدرتمندش بحرین را تصرف کرد. دربار زند برای اطمینان، پسرش را در شیراز به گروگان گرفته بود. (پری، ۱۳۶۵: ۳۱۰ و گرمون، ۱۳۷۸: ۷۰)

بنی‌کعب که در دو سوی اروندرود و خوزستان زندگی می‌کردند، علاوه بر شرکت در منازعات خلیج فارس به راهزنی دریایی، کنترل رفت و آمد کشتی‌ها و گرفتن مالیات نیز می‌پرداختند. شیخ سلمان، رئیس این قبیله که هم‌زمان با کریم‌خان می‌زیست، نیرویی دریایی تشکیل داده و با کمپانی هند شرقی انگلیس در بصره نیز درگیر بود.

در دوره زندیه شیخ عبدالله بن محمد، رئیس اعراب بنی‌معین حوالی بندر لنگه و جزیره‌های قشم و هرمز را اداره می‌کرد. او برای مقابله با قواسم، با ملا علی‌شاه، حاکم بندرعباس، همکاری می‌کرد. برای جلوگیری از خودسری شیخ، فرزندش در شیراز گروگان بود. در ۱۱۸۰ هـ. ق. ۱۷۶۷ م شیخ عبدالله برای رهایی فرزندش، ترفندی اندیشید و زکی‌خان، سردار زند، را در جزیره هرمز به گروگان گرفت. (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ص ۲۸۴) کریم‌خان ناگزیر شد پسر شیخ را با زکی‌خان معاوضه کند. (نامی، ۱۳۶۳: ۸-۱۷۶) قواسم (جواسم) نام دودمانی حکومتی از شارجه و رأس‌الخیمه بودند. (Hawley, ۱۹۷۰: ۹۱) که به تدریج از کرانه‌های جنوبی خلیج فارس وارد بخش ایرانی آن شدند و در قرن ۱۲ هـ. ق. ۱۸ م بر جزایر بحرین، قشم و لارک دست یافتند. این گروه در دوره زندیه با راهزنی دریایی شهرتی به هم زده، تجارت و رفت و آمد کشتی‌ها را در خلیج فارس دشوار ساخته بودند.

#### ۴-۱) تجارت و کسبه ایرانی

استقرار کمپانی‌های تجاری اروپایی در جزایر و بنادر خلیج فارس، تجارت خارجی ایران را افزایش داد. رشد مبادلات تجاری بین ایران و بازرگانان خارجی، موجب افزایش شمار

بازرگانان و کسبه ایرانی شد و زمینه فعالیت آنان خرید و فروش محصولات خارجی و صادرات و واردات کالا بود. دولت نوپای زند، به حمایت از بازرگانان برخاست تا از این رهگذر، اقتصاد بحران زده ایران را سامان دهد. از جمله تسهیلاتی مانند ایجاد بازار و کاروانسرا در ازای مبلغ اندکی اجاره ماهیانه در اختیار بازرگانان و خرده فروشان قرار گرفت. (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۹-۵۸) انتخاب شیراز به عنوان پایتخت و نزدیکی آن به بنادر جنوبی ایران نیز می توانست زندیه را در رسیدن به رشد تجاری و اقتصادی یاری دهد.

در زمان حکومت کریم خان با افزایش حجم معاملات، تجارت ایران رونق بیش تری یافت و بر اهمیت بازرگانان و دست اندرکاران خرید و فروش کالا و فعالیت های اقتصادی افزوده شد. ولی پس از مرگ خان زند، با بروز اغتشاش و ناامنی در کشور و ناتوانی جانشینان وی در برقراری نظم و امنیت، تجارت رو به رکود نهاده، بازرگانان مورد سوءاستفاده و غارت حکام و راهزنان قرار گرفتند و ادامه فعالیت آنان با تهدید جدی روبرو شد. در این شرایط تجار و کسبه امیدوار بودند، با روی کار آمدن دولتی مقتدر در ایران، نظم و امنیت که لازمه تجارت و سرمایه گذاری در زمینه تجارت بود، به کشور باز گردد. اما ناتوانی جانشینان کریم خان، دستیابی به این هدف را دور از ذهن می نمود. بنابراین بازرگانان ایرانی در اواخر عمر حکومت زند قشر اجتماعی ناخشنودی را در کشور، به خصوص در مراکز تجارت تشکیل می دادند.

#### ۵-۱) کمپانی هند شرقی انگلیس

این شرکت نیز در دوره زند از نیروهای صاحب نفوذ و قدرت بود. توان اقتصادی و امکانات نظامی و داشتن کشتی های جنگی و تجاری که به تسلط بر تجارت هند با خلیج فارس منجر شده بود، از جمله عواملی بود که امکان حضوری فعال را در تحولات منطقه به کمپانی می داد. گرچه ایفای نقش کمپانی در تحولات منطقه در مقایسه با دوره های بعدی کم رنگ تر به نظر می آمد، ولی کمپانی انگلیسی در تحولات این ناحیه در دوره حکومت زندیه بر ایران بی تأثیر نبود. اما دامنه اثرگذاری کمپانی هند شرقی انگلیس بر وضعیت سیاسی ایران در این دوره چندان گسترده نبود؛ زیرا روابط کمپانی با ایران دچار نوسانات زیادی بود.

دلایل این نوسان را می توان بدین ترتیب برشمرد:

- الف- جنگ‌های داخلی ایران و بروز ناامنی در کشور؛ (Ives, ۱۷۷۳, P ۱۹۸)
- ب- حملات اقوام و قبایل به دفتر نمایندگی‌های کمپانی هند شرقی انگلیس در ایران؛
- پ- سیاست‌های کریم‌خان در مورد کمپانی انگلیسی؛
- ت- رقابت و خصومت هلندی‌ها و فرانسوی‌ها با انگلیس در خلیج فارس؛
- ث- مشکلات کمپانی هند شرقی انگلیس در هند که بر روابط این کمپانی با خلیج فارس اثر می‌گذاشت؛
- ج- حضور ناوگان شیوخ و حکام بنادر و راهزنان دریایی در خلیج فارس. (امین، ۱۳۶۷: ۲۶)

## ۲- همکاری حکام و قدرت‌های محلی با کمپانی هند شرق انگلیس

در قرن دوازدهم هجری قمری، ایران گرفتار شورش‌ها و درگیرهای داخلی بود. نزاع مدعیان قدرت که هر از چند گاهی از سر گرفته می‌شد، پیامدی جز ویرانی، ناامنی و رکود فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای ایران نداشت. نبود حکومت مرکزی قدرتمند در ایران پس از سقوط صفویان و دوره پس از قتل نادرشاه افشار، موجب سرکشی بیش‌تر حکام و خوانین در ایران می‌شد. از قتل نادرشاه تا پیش از استحکام پایه‌های حکومت کریم‌خان در ایران، چنین وضعیتی حکمفرما بود.

حضور شرکت‌های اروپایی در خلیج فارس و توانایی‌های اقتصادی- نظامی آنان، سبب شد برخی حکام محلی در جنوب ایران در صدد استفاده از حمایت این شرکت‌ها برای تثبیت موقعیت خود در برابر دولت مرکزی ایران و همسایگان برآیند. از جمله ملا علی‌شاه که با در اختیار داشتن بندرعباس به همکاری کمپانی هند شرقی انگلیس امیدوار بود تا مانع از تعرض نصیرخان لاری به بندرعباس شود و از منابع مالی کمپانی انگلیسی نیز بهره‌برداری کند. (وادالا، ۱۳۵۶: ۴۷، ویلسن، ۱۳۴۸: ۲۰۷) نمونه دیگر، دعوت میرناصر، حاکم بندر ریگ، از تجار کمپانی‌های هند شرقی هلند و انگلیس برای فعالیت در قلمرو خود، برای جلب حمایت آنان در برابر دولت زند بود. شیخ ناصر، حاکم بوشهر نیز، تأسیس دفتر نمایندگی کمپانی هند شرقی انگلیس را در بوشهر برای مقابله با حضور هلندی‌ها در جزیره خارک (که در قلمرو حاکم بندر ریگ قرار داشت) و نیز بهره‌گیری از منافع تجاری درخواست نمود.

(نیپور، ۱۳۵۴: ۳۸-۴۱) هنگامی که میرحسین با حمایت هلندی‌ها بر برادرش میرمهنا پیروز شد، فرانسیس وود، نماینده کمپانی هند شرقی انگلیس در بوشهر، با همکاری شیخ ناصر، مخفیانه با میرمهنا ملاقات کرده و مقدمات بازگشت وی به بندر ریگ را فراهم آوردند تا ضمن فشار بر رقیب هلندی، نقش و اثرگذاری خود را در درگیری‌های محلی کرانه‌های خلیج فارس نشان دهند. (Al-Qa'simi, ۱۹۹۹: ۷۳)

### ۳- کمپانی هند شرقی انگلیس و سیاست حکومت زندیه جهت استقرار و تثبیت قدرت در سواحل و جزایر خلیج فارس

پس از قتل نادرافشار، در دوره‌ای که ایران کانون بحران و جنگ میان مدعیان قدرت بود، برخی حکام مناطق و فرماندهان نادرشاه، فارغ از هر گونه نظارت حکومت مرکزی به غارت مناطق مختلف کشور برای گسترش قلمرو و تثبیت قدرت خویش پرداختند. کریم‌خان پس از آنکه توانست رقیبان و مدعیان را از میدان بیرون کند، درصدد برآمد نظارت و حاکمیت خویش را بر نواحی جنوبی ایران استقرار بخشد، اوضاع این نواحی را سامان دهد. برای رسیدن به مقصود، برخورد نظامی با حکام خودسر این نواحی اجتناب-ناپذیر بود. حکومت زند توانست بسیاری از خوانین شورشی را سرکوب کند، اما برای سرکوب افرادی چون میرمهنا به علت نداشتن نیروی دریایی دچار مشکل بود. از این‌رو کریم‌خان چاره را در جلب همکاری کمپانی هند شرقی انگلیس دید و در مذاکره با نمایندگان کمپانی بر لزوم کمک کشتی‌های جنگی انگلیسی در نبرد برابر میرمهنا تأکید ورزید. وی حتی برای جلب رضایت طرف انگلیسی، حاضر به واگذاری انحصار تجارت جزیره خارک شد. (ویلسن، ۱۳۴۸: ۲۱۸)

فرمانروای زند وقتی جدیتی در انگلیسی‌ها برای کمک به سرکوبی میرمهنا ندید، به فکر امداد از فرانسویان افتاد، اما در این زمینه نیز موفقیتی حاصل نشد. (هدایتی، ۱۳۳۴: ۲۴۰) سرانجام سپاه زند بدون کمک کمپانی انگلیسی توانست بر جزیره خارک دست یابد و میرمهنا نیز پس از فرار در بصره کشته شد. (غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۲۷۸)

بنابراین یکی از نتایج حضور کمپانی هند شرقی انگلیس در خلیج فارس، کوشش کریم-خان زند در جهت جلب همکاری و استفاده از توان نظامی دریایی این شرکت برای استقرار حاکمیت خود بر سواحل و جزایر ایران در خلیج فارس بود. از سویی دیگر کوشش

فرمانروای زند بر آن بود که مرکز ثقل تجارت خلیج فارس در خاک ایران قرار داشته باشد. به همین دلیل کریم خان شرط آزادی کارکنان کمپانی و رفع توقیف کشتی تایگر (این کشتی و کارکنان آن توسط حاکم بندر ریگ توقیف و به بوشهر فرستاده شده بود) را از سرگیری فعالیت نمایندگی کمپانی در بوشهر اعلام کرد. اعطای امتیازات به انگلیسی‌ها و تصرف بصره تأیید دیگری بر علاقه کریم خان به فعالیت کمپانی در خاک ایران بود.

(Parsons, ۱۸۰۸, p ۱۸۵, جونز، ۱۳۵۳: ۱۱-۱۰ و ویلسن، ۱۳۴۸: ۱۹۹)

به مرور کریم خان در رابطه با انگلیسی‌ها سعی می‌کرد جانب احتیاط را نگه دارد. وی در مذاکرات و قراردادهایی که با کمپانی انگلیسی داشت، می‌کوشید از منافع کشور دفاع کند و در دام سیاست‌های انگلیس نیفتد. کریم خان که گویا به سیاست سلطه‌جویانه انگلیسی‌ها در هند پی برده بود، (آصف، ۱۳۵۲: ۳۸۳) در صدد برآمد تا نفوذ کمپانی هند شرقی انگلیس را تا آنجا مجاز بداند که به دخالت در امور اقتصادی و سیاسی ایران منجر نشود. احتیاط کریم خان را در رابطه با انگلیسی‌ها در قرارداد (۱۱۷۶ ه.ق. / ۱۷۶۳ م) می‌توان دریافت؛ آنجا که در قرارداد آمده است:

«... انگلیسی‌ها مجاز نیستند تمام وجوه مال التجاره خودشان را که در ایران به فروش می‌رسانند به خارج حمل کنند؛ زیرا این عمل انگلیس‌ها مملکت ایران را از حیث ثروت و مکت فقیر خواهد کرد... در هر نقطه‌ای که انگلیسی‌ها برای تجارت اقامت می‌کنند به هیچ وجه نباید اسباب زحمت و اذیت مسلمانان را فراهم آورند و هر قدر جنس یا مال التجاره وارد ایران می‌نمایند، حق تقدم را در خرید به تجار معروف و اشخاص معتبر خواهند داد. انگلیسی‌ها مجاز نیستند به اتباع یاغی پادشاه پناه بدهند...» (محمود، ۱۳۵۲: ۹/۱)

این رفتار احتیاط‌آمیز کریم خان زند در برخورد با انگلیسی‌ها پس از عدم کمک جدی و لازم آنان در سرکوب میرمهنا، تبدیل به بی اعتمادی شد؛ به گونه‌ای که در مواردی، از مذاکره و پذیرش هیئت‌های نمایندگی کمپانی انگلیسی خودداری کرد. (هدایتی، ۱۳۳۴: ۶-۲۳۵) خان زند دریافته بود که انگلیسی‌ها در پی آن هستند که با نفوذ تدریجی در ایران زمام امور آن را در راستای تأمین منافع خود، به دست گیرند. چنان که رستم‌التواریخ از قول او آورده است:

«... [انگلیسی‌ها] می‌خواهند به‌ریشخند و لطایف‌الحیل پادشاهی ایران را مالک و متصرف گردند، چنان که ممالک هندوستان را به خدعه و مکر و تزویر و نیرنگ و حيله و

دستان به چنگ آورده‌اند...» (آصف، ۱۳۵۲: ۳۸۳)

#### ۴- ایجاد موازنه قدرت با استفاده از حضور کمپانی‌های اروپایی در خلیج فارس

برای جلوگیری از تسلط کامل يك قدرت خارجی بر خلیج فارس، لازم بود تعادل و توازن میان قدرت‌های خارجی در خلیج فارس در دوره زندگی ایجاد شود تا کفه ترازو به نفع یکی از این قدرت‌ها سنگینی نکند.

کریم‌خان از سویی می‌کوشید به یاری کمپانی انگلیسی هند شرقی، اقتصاد ایران را رونق و تجارت خارجی را شکوفا سازد؛ از سویی دیگر می‌خواست از کشتی‌های جنگی انگلیسی برای سلطه خود بر سواحل جنوبی ایران یاری گیرد. اما تلاش می‌کرد نوعی توازن میان قدرت‌های اروپایی حاضر در خلیج فارس برقرار نماید. موافقت وکیل با استقرار نمایندگی کمپانی هند شرقی انگلیس در بندر بوشهر، با توجه به مستقر شدن هلندی‌ها در خارک و توافق آنان با حاکم بندر ریگ صورت گرفت، تا از کمپانی انگلیسی برای مقابله با نفوذ هلندی‌ها استفاده شود. همچنین دعوت کریم‌خان از نمایندگی فرانسه در بصره برای تجارت با ایران و خرید پارچه از آنان برای تهیه لباس سپاه، در جهت موازنه قدرت با کمپانی هند شرقی انگلستان انجام شد. (هدایتی، ۱۳۳۴: ۲۴۰)

برخی حکام محلی نیز مسئله برقراری توازن میان قدرت‌های خارجی را در خلیج فارس مد نظر داشتند. از جمله میرناصر، حاکم بندر ریگ، که تجارت در جزیره خارک را به هلندیان واگذار کرده بود، با دعوت از کمپانی هند شرقی انگلیس برای استقرار در بندر ریگ (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۷۱-۱۷۰)، می‌توانست علاوه بر جلوگیری از دشمنی انگلیسی‌ها نسبت به خود، تعادلی میان قدرت هلندی‌ها و انگلیسی‌ها ایجاد کرده، از آن به نفع خویش بهره ببرد. این توازن موجب می‌شد نفوذ هلندی‌ها و انگلیسی‌ها در قلمرو حاکم بندر ریگ به اندازه‌ای زیاد نشود که منجر به تسلط یکی از آن دو قدرت بر این ناحیه شود.

با خروج هلندی‌ها از جزیره خارک و ترك خلیج فارس و کم رنگ شدن حضور فرانسه در خلیج فارس هم‌زمان با انقلاب فرانسه (۱۲۰۳ هـ.ق. / ۱۷۸۹ م)، توازن قوا در منطقه به سود انگلیسی‌ها به هم خورد و کمپانی هند شرقی انگلیس در عرصه تجارت و سیاست منطقه یک‌ه‌تاز شد. چنان‌که در دوره حکومت قاجارها هیچ قدرتی را یارای مقابله با حضور انگلیسی‌ها در خلیج فارس و دریای عمان نبود.

## ۵- فعالیت‌های تجاری کمپانی هند شرقی انگلیس و گرفتن امتیاز در

### ایران

حکومت زند می‌کوشید از طریق ایجاد امنیت و آرامش در کشور و دادن تسهیلات تجاری، کمپانی‌های خارجی را به استقرار در بنادر ایران و فعالیت تجاری تشویق کند. تجارت با دولت‌های خارجی و استقرار کمپانی‌های اروپایی - به‌ویژه کمپانی هند شرقی انگلیس - در یکی از بنادر جنوبی ایران، از چند جهت برای دولت زند اهمیت داشت:

- ۱- کسب درآمد؛
  - ۲- کمک به افزایش صادرات ایران، که با مشکل ضعف وسایل حمل و نقل دریایی و نداشتن نمایندگی‌های فعال و کارآمد تجاری در خارج از مرزهای خود روبرو بود.
  - ۳- تأمین نیازهای داخلی از طریق واردات کالا توسط کمپانی‌های خارجی به ایران؛
- به دلایل پیش‌گفته کریم‌خان و بعضی از حکام نواحی نظیر میرناصر و شیخ ناصر، کوشیدند کمپانی‌های خارجی را به ایجاد نمایندگی در قلمرو خود تشویق نمایند. استقرار هلندی‌ها در جزیرهٔ خارک و انگلیسی‌ها در بوشهر، در نتیجهٔ این سیاست‌ها صورت گرفت. کریم‌خان برای ایجاد امنیت در بوشهر و تشویق کمپانی انگلیسی به فعالیت تجاری در آن، در قرارداد ۱۱۷۶ هـ.ق. / ۱۷۶۳ م تسهیلاتی به انگلیسی‌ها اعطا کرد. حتی انگلیسی‌ها اجازهٔ به‌کارگیری توپ‌های جنگی را یافتند. همچنین در قرارداد ۱۱۸۱ هـ.ق. / ۱۷۶۸ م تسهیلاتی برای کمپانی انگلیسی قائل شد. (محمود، ۱۳۵۲: ۹/۱-۵) میرناصر حاکم بندر ریگ نیز برای تشویق تجار خارجی به تجارت در قلمرو خود، امتیازاتی برای آنان در نظر گرفت. جعفرخان زند (ح ۱۲۰۳-۱۱۹۹ هـ.ق) نیز برای جلب رضایت کمپانی انگلیسی هند شرقی و تشویق آن به امور تجاری در ایران، طی فرمانی با اعطای آزادی‌های همه‌جانبه به تاجرانگلیسی، آنان را از تمامی مالیات، عوارض و حق راهداری معاف دانست، رفت و آمد مأموران آنها را در سراسر خاک ایران تسهیل و نقل و انتقال پول را نیز برای آنان آزاد اعلام کرد. (محمود، ۱۳۵۲: ۱۰/۱-۹)

## ۶- کمپانی هند شرقی انگلیس و دخالت در مسائل ایران و خلیج فارس

کمپانی هند شرقی دارای نفوذ و اقتدار اقتصادی و نظامی در خلیج فارس بود. گرچه این

توانایی در حدی نبود که بتواند هر مانعی را از سر راه خود بردارد. مزاحمت‌های اعراب بنی-کعب برای کمپانی در بندر بصره، اخراج انگلیسی‌ها از بندر ریگ توسط میرمهنا و برخی مقاومت‌های کریم‌خان در برابر خواسته‌های کمپانی، نشان دهنده این موضوع بود که انگلستان تا آن زمان قدرت اول و همه‌کاره خلیج فارس نبود. اما دارای توانایی ایفای نقشی مؤثر در تحولات منطقه بود. به عنوان نمونه به چند مورد از این دخالت‌ها اشاره می‌شود:

با استقرار هلندی‌ها در جزیره خارک، مدیران کمپانی هند شرقی انگلیس واهمه داشتند مبدا هلندی‌ها با استفاده از ضعف دولت مرکزی ایران نفوذ بیش‌تری در این کشور پیدا کنند. به همین علت دفتر کمپانی در بمبئی، در ۱۷۵۵م/۹-۱۶۸۱ه.ق. فرانسیس وود\* را به بندر ریگ اعزام کرد. وی دستور داشت برای فروش منسوجات پشمی انگلیسی در ریگ فعالیت کند و مانع از خرید و فروش پارچه‌های پشمی فرانسوی و غیر فرانسوی در این بندر شود. وود دستور داشت از دشمنی با هلندی‌ها که در خلیج فارس نفوذ زیادی داشتند، پرهیز کند. (لوریمر، ۱۳۷۹: ۲۹) هدف کمپانی انگلیسی در بندر ریگ نیز این بود که ضمن حفظ تجارت خود با خلیج فارس، مانع از گسترش نفوذ سیاسی و تجاری هلند شود. انگلیسی‌ها می‌خواستند در ریگ امتیازاتی برای خود کسب کنند، تا از نظر سیاسی و تجاری در این نقطه از رقیب هلندی عقب نمانند.

کمپانی هند شرقی انگلیس هرگاه منافع خود را در خلیج فارس در خطر می‌دید، یا با رقابت و خصومت هلند و فرانسه مواجه می‌شد، از توان اقتصادی و نظامی خود برای حفظ منافع و موقعیت خویش در منطقه استفاده می‌کرد. به عنوان مثال هنگامی که هلندیان در جزیره خارک مستقر شدند، انگلیسی‌ها نیز دست به کار شده و اجازه فعالیت تجاری در بندر ریگ را به دست آوردند. (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۷۱-۱۷۰، امین، ۱۳۶۷: ۴۶)

با بالا گرفتن کار میرمهنا، کریم‌خان برای سرکوبی وی، چند بار از انگلیسی‌ها درخواست کرد کشتی‌های جنگی خود را به یاری سپاه وی بفرستند. اما شرکت انگلیسی با وجود آنکه می‌خواست از طریق تجارت با ایران به منافع زیادی دست یابد، تقویت ایران را در منطقه به سود خود نمی‌دید و جرویس،\* نماینده کمپانی در بوشهر، می‌کوشید با هر دو طرف (میرمهنا و دولت زند) روابط دوستانه‌ای داشته باشد. (نیبور، ۱۳۵۴: ۴۱-۴۰) بنابراین در پاسخ به

\* . Francis wood

\* . Benjamin Jervis

تقاضاهای کریم خان، اقدام مؤثری به عمل نمی‌آورد. هنری مور، \*\* نماینده کمپانی در بصره نیز، از گسترش رابطه با ایران راضی به نظر نمی‌رسید. مور نمی‌خواست مرکز تجارت خلیج فارس به یکی از بنادر ایران انتقال یابد و می‌کوشید بصره عمده‌ترین مرکز تجارت کمپانی در منطقه باقی بماند. هنگامی که کریم خان، تجار ایرانی را از انجام معامله به صورت نقدی با تاجر خارجی منع نمود، هیئت مدیره کمپانی به هنری مور اجازه داد که حتی با میرمهنا علیه کریم خان همکاری کند. (امین، ۱۳۶۷: ۱۲۳)

هنگام حمله سپاه زند به بصره، کمپانی هند شرقی انگلیس به حمایت نظامی از بصره برخاست. اما این همکاری کارگر نشد و سپاهیان زند، بندر بصره را تصرف نمودند. این امر نیز نشان از دخالت انگلیسی‌ها در مسائل خلیج فارس داشت.

### نتیجه

کمپانی هند شرقی انگلیس در دوره حکومت زند قادر به اثرگذاری بر وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران بود. این اثربخشی از طریق روابط میان ایران و این شرکت انجام می‌شد. هر چند دامنه اثرگذاری انگلیسی‌ها بر اوضاع ایران هنوز چندان گسترده نشده بود و به اندازه دوره حکومت خاندان قاجار نمی‌رسید. در روابط میان ایران و شرکت انگلیسی در می‌یابیم که انگلیسی‌ها استقرار آرامش و ثبات در منطقه خلیج فارس را در راستای منافع خود می‌خواستند. سیاست شناور و به‌روز آنها در برابر جریان‌های مختلف خلیج فارس و دولت زند بر اساس همین منافع بود.

کمپانی هند شرقی انگلیس سیاست جلوگیری از توانمندی سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران را در منطقه خلیج فارس ادامه می‌داد و می‌کوشید با استفاده از خلاء رقیبان اروپایی در منطقه و ضعف‌های بنیادی و فراگیر اقتصادی و نظامی ایران در جزایر و بنادر خلیج فارس، به تأمین منافع خود بپردازد. این شرکت با صادرات گسترده به تدریج تولیدکنندگان بومی را از میدان خارج و تراز بازرگانی را به سود بازرگانان خود تغییر داد و در نهایت تاجر محلی را تضعیف و آنان را در عمل به شکل کارگزارانی برای مبادله کالاهای انگلیسی در آورد. شرایط داخلی ایران و میزان توانایی دولت زند نیز به گونه‌ای نبود که به تنهایی بتواند

---

\*\* Henry Moore

منافع اقتصادی و سیاسی خود را در کرانه‌های خلیج فارس تأمین کند. به همین دلیل ناگزیر بود برای رونق تجارت خواهان حضور نمایندگی‌های کمپانی انگلیسی در سواحل و بنادر ایران باشد و مانع از خروج مرکز ثقل تجارت خلیج فارس از قلمرو ایران شود.

### منابع و مأخذ

۲. آصف، محمد هاشم (رستم‌الحکما) (۱۳۵۲). *رستم‌التواریخ*، چاپ محمد مشیری، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۳. اعتمادالسلطنه، محمد حسن بن علی (۱۳۶۷). *مرآة البلدان*، به تحقیق هاشم محدث و عبدالحسین نوایی، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران.
۴. امیری، مه‌راب (مترجم) (۱۳۶۹). *ده سفرنامه* (سیری در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی راجع به ایران)، تهران، انتشارات وحید.
۵. امین، عبدالامیر (۱۳۶۷). *منافع انگلیسی‌ها در خلیج فارس*، ترجمه علی میرسعید قاضی، تهران، انتشارات زرین.
۶. اولیویه، جی، آ (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه*، ترجمه محمد طاهر میرزا، به تصحیح غلامرضا وره‌رام، تهران، انتشارات اطلاعات.
۷. پری، جان. ر. (۱۳۶۵). *کریم‌خان زند*، ترجمه علی محمد ساکی، تهران، نشر فراز.
۸. جونز، سرهارفورد (۱۳۵۳). *آخرین روزهای لطفعلی‌خان زند*، ترجمه هما ناطق - جان گرني، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۹. سدیدالسلطنه (کبابی)، محمد علی (۱۳۴۲). *بندرعباس و خلیج فارس*، تصحیح احمد اقتداری، به کوشش علی ستایش، تهران، انتشارات کتابخانه ابن سینا.
۱۰. غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹). *گلشن مراد*، چاپ غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات زرین.
۱۱. فرانکلین، ویلیام (۱۳۵۸). *مشاهدات سفر از بنگال به ایران*، ترجمه محسن جاویدان، تهران، مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی.
۱۲. فلور، ویلم (۱۳۷۱). *اختلافات تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان*، ترجمه ابوالقاسم سري، تهران، انتشارات توس.

۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱). هلندیان در جزیره خارك (خلیج فارس) در عصر کریم خان زند، ترجمه ابوالقاسم سري، تهران، انتشارات توس.
۱۴. گرمون، استفان رای (۱۳۷۸). چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران، ترجمه حسن زنگنه، قم، همسایه.
۱۵. لوریمر، جان گوردن (۱۳۷۹). راهنمای خلیج فارس، تاریخ و جغرافیای استان بوشهر، ترجمه سیدحسن نبوی، شیراز، انتشارات نوید.
۱۶. محمود، محمود (۱۳۵۳). تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، جلد اول، تهران، انتشارات اقبال.
۱۷. نامی، میرزا محمدصادق موسوی (۱۳۶۳). تاریخ گیتی‌گشا، با مقدمه سعید نفیسی، تهران، انتشارات اقبال.
۱۸. نیبور، کارستن (۱۳۵۴). سفرنامه نیبور، ترجمه پرویز رجبی، تهران، انتشارات توکا.
۱۹. وادالا، ر (۱۳۵۶). خلیج فارس در عصر استعمار، ترجمه شفیع جوادی، تهران، انتشارات کتاب سحاب.
۲۰. وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۹). تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران، سمت.
۲۱. ویلسن، آرنولد (۱۳۴۸). خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۲. هدایتی، هادی (۱۳۳۴). تاریخ زندیه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

### منابع و مأخذ به زبان انگلیسی

1. Al-Qasimi, Sulta n ibn Muhammad, (1999). *Power Struggles and Trade in the Gulf: 1620-1820*.

Great Britain: Forest Row.

2. Hawley, Donald (1970) *The Trucial States*, London, Allen & Unwin.
3. Parsons, Abraham (1808). *Travels in Asia and Africa*, London: Longman.

## ۹۷ جمالی و همکاران: تکاپوهای سیاسی و تجاری کمپانی هند شرقی انگلیس برای اثرگذاری...

4. Ives, Edward(1773). A voyage from England to India..., London : Printed for Edward and Charles Dilly.
5. Saldanha, Jerome. A (1986). The Persian Gulf Précis, Gerrards Cross, Buckinghamshire.